

لجاجت با واقعیت

حدود دو ماه پس از امضای تفاهم نامه ایران و آمریکا و در شرایطی که معاون وزیر امور خارجه از متلاشی شدن بندهای آن سخن گفته است، محمدباقر قالیباف همچنان این توافق را «سند افتخار و پیروزی» می خواند؛ موضعی که با توجه به تحقق نیافتن تعهدات کلیدی توافق و تداوم فشارهای آمریکا و رژیم صهیونیستی، پرسش هایی جدی درباره مبنای این روایت و فاصله آن با واقعیت های میدان و دیپلماسی ایجاد کرده است. قالیباف تفاهم نامه بین ایران و آمریکا را سند افتخار و پیروزی در راستای تثبیت پیروزی در میدان دیپلماسی عنوان کرد و افزود: این پیروزی افتخارآمیز در میدان نظامی و دیپلماسی به همت مردم مبعوث شده اتفاق افتاد.



۲

۵ اتحادیه دانشجویی خطاب به دبیر شورای عالی امنیت ملی
به انتظارات و توقعات ملت مبعوث از دبیرشعام پرداختند

«نظر دیگر امام» را نمایندگی کنید

۳



خزدر سایه یک امضای پرابهام

۶

شبکه نفوذ زیر پرچم فرانسه

۷



ظریف و روحانی؛ نسخه غرب برای مهار ایران؟

امیرشهبهانی
روزنامه نگار

صفحه ۴

اقتصادی



تراستی ها زیر تیغ نظارت

«تراستی»؛ واژه ای که به شبکه ای از واسطه های مالی و تجاری اطلاق می شود که مأموریت اصلی آن ها فروش نفت، میعانات گازی و انتقال منابع حاصل از صادرات در شرایط انسداد کانال های رسمی بانکی بوده است.

صفحه ۵

اقتصادی



دولت پزشکيان رکورد تورم صنعت را شکست

ثبت تورم نقطه به نقطه ۱۰۹ درصدی بخش صنعت در بهار ۱۴۰۵، مهر تأییدی بر اثربخشی منفی سیاست ارزی دولت چهاردهم است. این جهش تاریخی که هزینه های تولید را به مرز انفجار رسانده، هشدار جدی برای بازار مصرف محسوب می شود.

جواد ظریف هنوز هم پس از چهار دهه حضور در دستگاه دیپلماسی و گذشت بیش از یک دهه خسارت بار از برجام، نشانه ای جدی از بازنگری در خطاهای راهبردی خود در آن دوره را نشان نمی دهد. پرسش مهم تر این است که چرا بخش هایی از غرب، به ویژه آمریکا، همواره از حضور چهره هایی مانند ظریف و حسن روحانی در ساختار سیاسی ایران احساس آرامش می کردند؟

متن کامل در صفحه ۷

علیرغم متلاشی شدن بندهای تفاهم‌نامه، قالیباف همچنان مردم را به لذت بردن از آن فرا می‌خواند

لجاجت با واقعیت

موضعی که با توجه به تحقق نیافتن تعهدات کلیدی توافق و تداوم فشارهای آمریکا و رژیم صهیونیستی، پرسش‌هایی جدی درباره مبنای این روایت و فاصله آن با واقعیت‌های میدان و دیپلماسی ایجاد کرده است.



جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

همچنین اعمال آتش‌بس در لبنان داشت که هیچکدام محقق نشد. گذشته از پیش شرط‌ها، برداشتن محاصره دریایی ایران، تثبیت آتش‌بس در لبنان، تأمین مالی حداقل ۳۰۰ میلیارد دلار برای بازسازی و توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، برداشتن تحریم‌های ایران و ... از جمله بندهای تفاهم‌نامه ۱۴ بندی بود که هیچکدام محقق نشد و مشخص نیست با این اوصاف قالیباف چگونه همچنان از این توافق حمایت می‌کند.

دو روز پیش در پی حمله هوایی ارتش رژیم صهیونیستی به یک منزل مسکونی در حومه شهرک «انصار» در جنوب لبنان، ۷ نفر شهید و چند نفر دیگر مجروح شدند. از سوی دیگر فرماندهی مرکزی آمریکا اعلام کرد از ساعت ۱۴ روز ۱۳ آوریل، محاصره دریایی بنادر و سواحل ایران را اجرا می‌کند؛ محاصره‌ای که تمام تردد کشتی‌ها به مقصد بنادر ایران را، فارغ از پرچم آنها، هدف قرار می‌داد. در ۱۸ ژوئن این مرحله متوقف شد. ۲۶ روز بعد، در ۱۴ ژوئیه، آمریکا محاصره را دوباره برقرار کرد. از ۱۳ آوریل تا ۱۸ ژوئن، ۶۷ روز، از ۱۴ ژوئیه تا ۱۵ اوت، ۳۳ روز. جمع: ۱۰۰ روز. گذشته از اینها، آقای قالیباف و مشاوران او تاکنون موضع رسمی درخصوص پیام علی‌الاصول رهبر انقلاب اتخاذ نکردند. سند افتخار خواندن این تفاهم‌نامه و تکرار چندباره آن چه نسبتی به موضع صریح رهبری در این باره و یا عزل معنی دار دبیر شورای عالی امنیت ملی دارد؟

افتخار و پیروزی در راستای تثبیت پیروزی در میدان دیپلماسی عنوان کرد و افزود: این پیروزی افتخارآمیز در میدان نظامی و دیپلماسی به همت مردم مبعوث شده اتفاق افتاد

رئیس مجلس شورای اسلامی روایتگری را وظیفه خبرنگاران دانست و گفت: البته معتقدم که مردم ما حس این پیروزی را به گونه‌ای که اتفاق افتاده، حس نکردند و در برخی موارد نتوانستیم این حقی که مردم داشتند را به درستی ادا کنیم، وقتی مردم سوال می‌کنند که الان چه شد؟! یعنی نتوانسته‌ایم این پیروزی بزرگ را به نحوی که باید روایت کنیم تا این حس افتخار در ذهن و وجود همه مردم، جبهه مقاومت و آزادی خواهان دنیا شکل بگیرد. وی افزود: مردم حق دارند که از این پیروزی افتخارآمیز لذت ببرند و آن را درک و به آن افتخار کنند و تاریخ نیز در آینده این را قضاوت خواهد کرد.

چند سوال از قالیباف

ادبیات قالیباف در حمایت از تفاهم‌نامه در نوع خود قابل تامل است. جدا از فاصله قابل اعتنای این مواضع با موضع آشکار رهبر معظم انقلاب در پیام معروف علی‌الاصول این سوال مطرح است که چگونه نقض بندهای متعدد تفاهم‌نامه توسط آمریکا به چشم قالیباف نیامده و او مدام در پی سفیدشویی این توافق نافرجام است. مذاکرات اسلام‌آباد و پیش شرط به شرح آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران و

حدود دو ماه پس از امضای تفاهم‌نامه روسای جمهور ایران و آمریکا و در شرایطی که معاون وزارت امور خارجه کشورمان به متلاشی شدن بندهای آن اذعان کرده، محمد باقر قالیباف همچنان به دنبال بزرگ این متن و دعوت از مردم به لذت بردن از آن است. رویکردی که فاصله عمیق رئیس هیات مذاکره‌کننده ایران در مذاکرات اسلام‌آباد را با واقعیات میدانی و مولفه‌های آشکار فی مابین ایران و آمریکا در تنگه هرمز و جبهه لبنان و ... نشان می‌دهد.

رئیس مجلس و رئیس هیات مذاکره‌کننده روز گذشته در نشست با خبرنگاران پارلمانی سخنانی را مطرح کرد که بیش از هر چیز نشان دهنده فاصله قابل تامل او و حلقه مشاورانش با واقعیات میدانی در ایران و منطقه است.

رئیس مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه مادر ابعاد نظامی و سیاسی جنگ به معنای واقعی پیروز شدیم و مردم حق دارند از این پیروزی افتخارآمیز لذت ببرند، گفت: البته معتقدم مردم ما این پیروزی را به گونه‌ای که اتفاق افتاده، حس نکردند و در برخی موارد نتوانستیم حقی که مردم داشتند را به درستی ادا کنیم تا حس افتخار در ذهن و وجود همه مردم، جبهه مقاومت و آزادی خواهان دنیا شکل بگیرد.

وی تفاهم‌نامه بین ایران و آمریکا را سندی

تعیین جایزه ۳۰ هزار دلاری برای کشتن، دستگیری و تحویل هر نظامی آمریکایی

سرلشکر حاتم‌ی در آئین قدردانی از خبرنگاران و اصحاب رسانه گفت: آمریکایی‌ها باید بدانند که اینجا ایران است و اگر اشتباه کنند، به درس عبرتی برای دیگران، در طول تاریخ، تبدیل خواهند شد. وی افزود: با توجه به حجم زیاد درخواست‌ها برای مشارکت در جهاد مالی، طرحی تهیه شد که که بنابر آن، هر فردی که یک نیروی متجاوز آمریکایی را به هلاکت برساند یا دستگیر کند و تحویل دهد، ارتش جمهوری اسلامی ایران، به پست‌وانه عزیزان شرکت‌کننده در جهاد مالی و به ضمانت خود، هدیه‌ای معادل ۳۰ هزار دلار یا ۵ میلیارد تومان دریافت خواهد کرد. زنان غیور ایرانی نیز که موفق به این اقدام شوند، ۲ برابر جایزه دریافت خواهند کرد. سلاح هر فردی که موفق شده نیروی متجاوز آمریکایی به هلاکت برساند، به ۲ برابر قیمت خریداری شده و سلاح جدیدی دریافت خواهد کرد.

افشاگری نماینده تهران از ادامه تلاش‌های وزارت خارجه در قانونی نشدن تنگه هرمز

سید مرتضی محمودی سخنگوی فراکسیون مقاومت مجلس شورای اسلامی درباره اقدامات و مانع تراشی‌های وزارت امور خارجه در عدم تصویب قانون تنگه هرمز اظهار داشت: در جلسه بررسی طرح اقدام راهبردی تأمین امنیت پایدار تنگه هرمز نماینده وزارت امور خارجه با اعتماد به نفس کامل پای تخته رفت و گفت ما باید به کنوانسیون‌ها و قوانین حقوق بین‌الملل پایبند باشیم و در نهایت نتیجه گرفت که؛ تا پایان مذاکرات نباید قانونی برای تنگه هرمز تصویب کنیم!!

بهادری جهرمی: چرا از ظلم آمریکا به خودشان نمی‌گویند؟

سخنگوی دولت سیزدهم در حساب کاربری خود نوشت: فرض کنید پسر، عروس و نوه خانم معصومه ابتکار ۱۲۰ روز در ایران بازداشت بودند، واکنش ایشان، رسانه‌های زنجیره‌ای و جریان سیاسی که ایشان وابسته به آن است چه بود؟ اینکه برخی دهه‌ها در کشور مسئولیت داشته و باید پاسخگو باشند اما همیشه منتقد هستند به کنار؛ اینکه چرا حتی علیه ظلم آمریکا به خودشان هم جرأت حرف زدن ندارند، ریشه مشکلات سیاست داخلی و خارجی ما را نشان می‌دهد! عروس خانم ابتکار گفتند آمریکا وطن آنهاست و فرزندشان حتی فارسی بلد نیست!

ثابتی: دعوای امروز تنگه، ابرقدرت ۵۰ سال دیگر را مشخص می‌کند

نماینده مردم تهران در مجلس در تجمع میدان ولیعصر گفت: آغاز دوره تضعیف بازدارندگی ایران از زمان روحانی شروع شد که ایران پاسخ بازدارنده به ترور شهید سلیمانی و شهید فخری‌زاده را نداد و حتی وزیر خارجه وقت (ظریف) در مصاحبه‌ای اعلام کرد حاج قاسم سلیمانی مزاحم کار ما در دیپلماسی است! وی همچنین افزود: اگر به جای رهبر شهید انقلاب تفکر هاشمی رفسنجانی برسیستم نظامی ایران غلبه می‌کرد امروز به جای موشک و پهپاد باید با تیرکمان یا کلت کمربل مقابل دشمن می‌جنگیدیم نه اینکه تنها کشوری در دنیا باشیم که بتوانیم جنگنده F۳۵ را ساقط کنیم. ثابتی در پایان براین نکته که هر کشوری که بتواند تسلطش بر تنگه هرمز را حفظ کند تا نیم قرن آینده ابرقدرت منطقه خواهد بود، تأکید کرد.

نقد

انتقاد سروری از سخنان پزشک‌های درباره اعدام تروریست‌ها

پرویز سروری نائب رئیس شورای شهر تهران در چهارصد و بیست و چهارمین جلسه شورا با بیان اینکه جلسه‌ای با رئیس جمهور و فعالان احزاب سیاسی برگزار شد، خاطرنشان کرد: رئیس جمهور این موضوع را مطرح کرد که اقدامات قاطع و امنیت آفرین قوه قضاییه در برابر کسانی که شهر را به آتش کشیدند و حکم اعدام آنها را صادر کردند، موجب سرمایه‌گریزی می‌شود. اتفاقات ۱۸ و ۱۹ دی جنایت و شهرسوزی بود؛ این اتفاقات سرمایه‌گریزی نیست اما به سزای عمل رساندن کسانی که شهر را به آتش کشیدند، سرمایه‌گریزی است؟

وی با اعلام اینکه این موضوع مطرح شده که در تنگه هرمز باید قواعد بین‌المللی را بررسی کرد، یادآور شد: جنگ آمریکا و ایران تمام قواعد بین‌المللی را از بین برد. امروز دو کشور اتمی به یک کشور غیراتمی حمله می‌کنند و محکوم نمی‌شوند. این موارد نشان می‌دهد که دنیا با زور و قدرت اداره می‌شود. وی ادامه داد: با این شرایط می‌گویند باید در مورد تنگه هرمز قواعد بین‌المللی را مدنظر قرار داد. باید از منظر قدرت صحبت کنیم و نباید خود را اسیر این لفاظی‌ها و قواعد کنیم. وی افزود: از قوه قضاییه نیز تقدیر می‌کنم که اقدامات امنیت‌سازی در کشور انجام دادند و امیدواریم چنین اقدامات امنیت‌سازی تداوم داشته باشد.



✓ مراسم بزرگداشت چهلیم «آقای شهید ایران» در تهران، قم و مشهد برگزار می‌شود



دفتر رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت چهلیمین روز تشییع و تدفین پیکر آقای شهید ایران، با صدور اطلاعیه‌ای از برگزاری مراسم بزرگداشت رهبر شهید حضرت آیت‌الله‌عظمی سید علی حسینی

خامنه‌ای در تهران، قم و مشهد خبر داد. متن کامل اطلاعیه دفتر رهبر انقلاب اسلامی بدین شرح است: بسمه تعالی: هم‌زمان با ایام چهلیمین روز تشییع تاریخی و تدفین پیکر مطهر آقای شهید ایران، مراسم بزرگداشت آن رهبر عظیم الشان و خانواده ایشان از سوی حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در تهران، قم و مشهد برگزار می‌شود. مراسم‌های بزرگداشت قائد شهید حضرت آیت‌الله‌عظمی سید علی حسینی خامنه‌ای به این شرح برگزار خواهد شد: «تهران: سه‌شنبه ۲۷ مرداد، از ساعت ۱۷ تا ۱۹، در شبستان مصلا

امام خمینی (ره)»؛ «قم: چهارشنبه ۲۸ مرداد، پس از نماز مغرب و عشاء، در حرم حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها»؛ «مشهد مقدس: پنجشنبه ۲۹ مرداد، هم‌زمان با شب شهادت امام حسن عسکری (ع)، بعد از نماز مغرب و عشاء، در حرم مطهر رضوی». از مردم قدرشناس ایران برای حضور در مراسم بزرگداشت رهبر شهید دعوت به عمل می‌آید. حضور پرشور و گسترده عموم ایرانیان و دلدادگان امامین انقلاب در مراسم بزرگداشت چهلیم قائد شهید، بیعتی دوباره با رهبری معظم انقلاب اسلامی و تأکیدی مجدد بر ادامه راه آقای شهید ایران خواهد بود.

۵ اتحادیه دانشجویی خطاب به دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور به انتظارات و توقعات ملت مبعوث از دبیرشعام پرداختند

«نظر دیگر امام» را نمایندگی کنید

تغییر نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی، بار دیگر عملکرد این نهاد راهبردی و تصمیمات آن در ماه‌های گذشته را زیر ذره‌بین برده است؛ حالا پنج اتحادیه بزرگ دانشجویی با خطاب قرار دادن محسن رضایی، نماینده جدید رهبری در شعام، خواستار بازگشت این شورا به مسیر مورد انتظار فرمانده کل قوا، شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و ایستادگی صریح‌تر در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی شده‌اند.

امیرحسین درکی
روزنامه‌نگار

محسن رضایی تأکید کردند که دشمن نباید بتواند از پرداخت هزینه اقدامات خود شانه خالی کند و تصور اختلاف‌افکنی و جداسازی میان آمریکا و رژیم صهیونیستی خیالی واهی است.

اتحادیه‌های دانشجویی در ادامه به نقض مکرر آتش بس

از سوی دشمن اشاره کردند و نوشتند: «هرچقدر که از زمان آغاز آتش بس می‌گذرد، غلط بودن این تصمیمات بیش از پیش نمایان می‌گردد؛ از تثبیت محاصره دریایی و اهرم کردن آن در برابر تنگه هرمز، تا نقض بند به بند تعهدات توسط دشمن در یادداشت تفاهمی که از آن به عنوان «سند شکست آمریکا» یاد می‌شود. توافقی که رهبر انقلاب علی‌الصول نظردیگری در قبال آن داشتند، گرچه مسئولین امر مدعی بودند توافق به طور کامل مورد رضایت و تأیید رهبر انقلاب است.

این ۵ تشکل دانشجویی در ادامه با خطاب قرار دادن محسن رضایی تأکید کردند: «امروز نیز توقع از شما این است تا صریح و جسورانه «نظر دیگر امام» را نمایندگی کنید؛ و نه نظرات عده‌ای از خواص سیاسی را که در نتیجه فقدان آگاهی از اقتضائات نبرد وجودی، روز به روز هزینه‌های بیشتری را به کشور تحمیل می‌کنند؛ خواصی که دیگر حتی واژگانی نظیر خونخواهی نیز در ادبیات آن‌ها دیده نمی‌شود»

دانشجویان نوشتند: «معتقدیم که شورای عالی امنیت ملی متعلق به همه اعضای آن است؛ شکل‌گیری هسته‌های کوچک‌تر شش نفره و هفت نفره در درون شورا که به نیابت از دیگر اعضا برای تمام مسائل امنیت ملی تصمیم‌گیری کنند، به صلاح نبوده و نیست.»

همچنین تصریح شد: «ایستادگی بر سر وحدت ساحات جبهه مقاومت، تثبیت حاکمیت بر تنگه هرمز، اخذ غرامت



از کشورهای متخاصم، اخراج نیروهای نظامی آمریکا از منطقه، ایستادگی کامل بر سر حقوق هسته‌ای ایران و پایان دادن به پیش‌بینی‌پذیری رفتار ایران در برابر نظام سلطه، توقعات امروز ما از شورای عالی امنیت ملی است.» و تأکید گردید: «اگر جمهوری اسلامی برنامه‌ای جدی برای قصاص قاتلان امام شهید نداشته باشد، چگونه می‌تواند به حفاظت از جان رهبر جدید و تأمین امنیت پایدار فکر کند؟» «بی‌شک توقع داریم تا تأکید بر این امر را در رفتار و گفتار شما ببینیم. ملت ایران داغدار رهبر شهید، کودکان میناب و تمامی شهدای مظلوم جنگ رمضان است و خواستار قصاص مجرمین آن است.»

در ادامه دانشجویان بیان کردند: «توقع ما شفافیت، پاسخگویی صریح و اقلان ملت مبعوث شده در خصوص روند تصمیم‌گیری‌ها است. از شما می‌خواهیم تا به رویکرد مردم‌ستیزانه که تاکنون دنبال شده پایان دهید. برای مردمی که خالصانه برای حفظ ایران ایستادگی کرده‌اند، مرجع کسب اطلاعات نباید رسانه‌ها و صفحات سیاستمداران جنایتکار آمریکایی باشد.» اسامی پنج اتحادیه امضاکننده نامه: «اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان» «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دفتر تحکیم وحدت» «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل» «شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی کشور» «جنبش عدالتخواه دانشجویی»

خبر کوتاه

جوکار: انتخابات شوراها ۲۴ مهر برگزار می‌شود

رئیس هیئت نظارت بر انتخابات شوراها: در جلسه با اعضای ستاد انتخابات کشور و هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات، مقرر شد انتخابات شوراها در تاریخ ۲۴ مهر برگزار شود. این تاریخ قرار است به شعام اعلام شود تا دریافت مجوزهای لازم انجام و مقدمات برگزاری انتخابات فراهم شود.

انهدام شبکه انتقال اطلاعات طبقه‌بندی شده به دشمن

فارس نوشت: در پی رصد هوشمندانه و اقدامات فنی کارشناسان پلیس اطلاعات فرماندهی انتظامی تهران بزرگ (فاتب) در فضای مجازی، شبکه‌ای که با سوءاستفاده از تجهیزات ماهواره‌ای «استارلینگ» اقدام به ایجاد بستر ارتباطی غیرمجاز و انتقال اطلاعات طبقه‌بندی شده می‌کرد، شناسایی و جمع‌آوری و متهم اصلی دستگیر شد.

تصمیم‌گیری برای برگزاری جلسات در محل دائمی صحن به صورت تلفیقی

روز گذشته گودرزی، سخنگوی هیئت رئیسه مجلس از برگزاری نشست اعضای هیأت رئیسه با حضور رئیس مجلس، پیش از آغاز نشست علنی که به صورت مجازی برگزار می‌شود، خبر داد و گفت: در این جلسه، اعمال تغییراتی در نحوه برگزاری جلسات صحن علنی مجلس شورای اسلامی مورد بررسی و گفتگو قرار گرفت. در این راستا مقرر شد تا جهت برگزاری جلسات در محل دائمی صحن مجلس به صورت تلفیقی (ترکیبی از حضوری و مجازی)، هماهنگی‌های لازم با دستگاه‌های مرتبط صورت پذیرد.

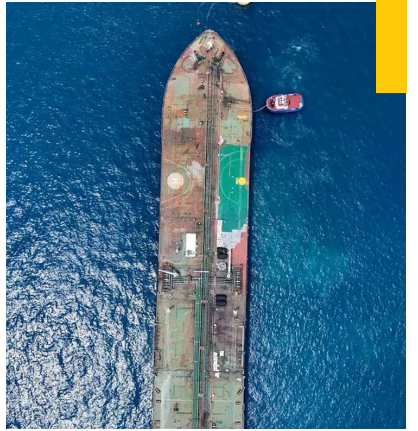
کلیات طرح مقابله با نفوذ بیگانگان تصویب شد

روز گذشته، طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه در کشور، در صحن علنی مجازی مجلس با ۱۸۳ رأی تصویب شد. تأیید حکم اخراج و محرومیت ۴ ساله از تحصیل دانشجوی هتاک شریف معاونت دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف در اطلاعیه‌ای از تأیید و ابلاغ حکم اخراج و محرومیت ۴ ساله از تحصیل دانشجوی هتاک حوادث دیماه این دانشگاه در دانشگاه‌های کشور خبر داد. براین اساس، اتهامات انتسابی ر.د، دانشجوی سابق مقطع کارشناسی ارشد رشته مهندسی کامپیوتر بررسی و فرایند آن پس از تأیید حکم صادره توسط شورای تجدیدنظر دانشگاه توسط شورای مرکزی انضباطی سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به اتمام رسید.

۶۰۰ میلیارد خسارت به اتوبوس‌های تهران در دی‌ماه پارسال

مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران گفت: در حوادث دی‌ماه به جز خسارت‌های وارد شده به ایستگاه‌ها، حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیارد تومان خسارت فقط به اتوبوس‌های شرکت واحد وارد شده است. همچنین در جریان جنگ، نزدیک به ۲۰۰ دستگاه از اتوبوس‌های شرکت واحد به صورت جزئی، کلی و عمده دچار خسارت شدند.

بارگیری نفت در خارک از سر گرفته شد



ویندوارد، شرکت رصد اطلاعات دریایی، گزارش داد که پایانه غربی جزیره خارک ایران پس از ۲۵ روز توقف کامل، روز سه‌شنبه ۱۲ اوت (۲۰ مرداد) مجدداً فعال شد. تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که یک فروند نفت‌کش غول‌پیکر کلاس VLCC به طول تقریبی ۳۳۳ متر، که از ۱۱ ژوئیه در منطقه انتظار این پایانه لنگر انداخته بود، سرانجام پهلو گرفته و عملیات بارگیری نفت خام را آغاز کرده است. این رویداد در حالی اتفاق می‌افتد که تنگه هرمز به قانون اصلی مناقشه بین ایران و آمریکا تبدیل شده است. در حالی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، ادعا کرده است که نیروی دریایی این کشور با اعمال محاصره دریایی، کنترل کامل این آبراه استراتژیک را در دست دارد، آمارها نشان می‌دهد بسیاری از کشتی‌ها از مسیر ایرانی تنگه هرمز عبور

به‌طور فعال در حال جذب تناژ تحریمی بیشتر است و نقش کلیدی در سازوکار جدید صادرات نفت ایران ایفا می‌کند. در همین حال ۳۶ فروند شناور تندرو در کریدور شمالی مشاهده شده‌اند که احتمالاً نقش اسکورت یا گشت‌زنی برای این کشتی‌ها را دارند، هرچند ارتباط مستقیم آن‌ها با شناورهای خاص تأیید نشده است. همچنین، کریدور ترانزیتی دریای خزر بین روسیه و ایران دستخوش یک تحول ساختاری پایدار شده است. در بازه ۱۶ روزه پس از تشدید محاصره هرمز، حمل‌ونقل محموله‌های مایع (نفت و فرآورده) از روسیه به ایران ۲۰۹ برابر افزایش یافته و حجم آن به ۲۰۵ برابر رسیده است. تعداد محموله‌ها از ۸ به ۲۳ و حجم آن‌ها از حدود ۱۷۴ هزار بشکه به بیش از ۴۳۷ هزار بشکه افزایش یافته است.

می‌کنند. تاکنون هیچ چارچوب مشخصی برای حل این مناقشه دیپلماتیک ارائه نشده است و هر دو طرف بر مواضع خود پافشاری می‌کنند. تصاویر جمع‌آوری‌شده از منطقه در روز ۱۳ اوت (چهارشنبه گذشته)، فعالیت گسترده کشتی‌های باری و نفت‌کش با سیستم شناسایی خاموش را در منطقه قشم و لارک نشان می‌دهد که بیانگر تردد‌های پنهان و پیچیده در این آبراه است. هم‌زمان، لنگرگاه شمال لارک، که در نزدیکی تنگه هرمز قرار دارد، شاهد افزایش چشمگیر حضور کشتی‌های تحریمی بوده است. تصاویر ماهواره‌ای روز ۱۲ اوت حاکی از پهلوگیری ۳۵ فروند کشتی نفت‌کش و باری در این منطقه است که نسبت به ۲۸ فروند در ۱۰ اوت، رشد قابل توجهی داشته است.

این افزایش نشان می‌دهد که لنگرگاه مذکور

دیوان محاسبات وارد پرونده ۱۴۱ بدهکار ارزی شد؛

تراستی‌ها زیر تیغ نظارت

«تراستی» در سال‌های اخیر از یک اصطلاح تخصصی و کم‌استفاده، به یکی از واژه‌های پرکاربرد در ادبیات اقتصاد ایران تبدیل شده است؛ واژه‌ای که به شبکه‌ای از واسطه‌های مالی و تجاری اطلاق می‌شود که مأموریت اصلی آن‌ها فروش نفت، میعانات گازی و انتقال منابع حاصل از صادرات در شرایط انسداد کانال‌های رسمی بانکی بوده است. در شرایطی که تحریم، امکان انتقال عادی درآمد‌های نفتی را محدود کرده بود، استفاده از ظرفیت برخی اشخاص و شرکت‌ها به عنوان واسطه، راهکاری برای ادامه جریان صادرات و بازگشت منابع ارزی محسوب می‌شد.

اطلاعات خاص، ارتباطات ویژه یا تجربه انباشته، به نقطه‌ای تبدیل شود که حذف یا جایگزینی او دشوار باشد. در چنین وضعیتی، دیگر مسئله فقط عملکرد یک فرد نیست، بلکه کیفیت ساختاری است که چنین تمرکز قدرتی را امکان‌پذیر کرده است.

خیانت برخی تراستی‌ها

دبیخ‌لنخدایان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، پنجم مردادماه امسال با استناد به اطلاعات سامانه بانک مرکزی اعلام کرد: ۲۰ هزار و ۶۷۶ شخص حقیقی و حقوقی در مجموع حدود ۹۴ میلیارد یورو عدم رفع تعهد ارزی داشته‌اند. البته این رقم مربوط به کل پرونده‌های تعهد ارزی است و نمی‌توان آن را به تراستی‌ها نسبت داد. اواز بررسی ۲۲۵ شخص در گروه نخست بدهکاران و تعهد ۵۳ میلیارد یورویی آن‌ها خبرداد و گفت: در بررسی‌های اولیه، شرکت‌های پخش و پالایش، گاز و فلات قاره با ۲۸.۸ میلیارد یورو عدم رفع تعهد ارزی در صدر قرار داشتند. پس از بررسی حدود ۴۰ هزار اظهارنامه صادراتی، مشخص شد بخش قابل توجهی از این ارقام متعلق به شرکت ملی نفت بوده که به دلیل بی‌توجهی در ثبت گمرکی، تحت نام شرکت‌های دیگر درج شده بود. یک جمله در تراستی‌ها بیش از همه توجه‌ها را به خود جلب کرد؛ اینکه «برخی تراستی‌ها خیانت کردند»، او در ادامه گفت: یک تراستی ۲۰۰ میلیون دلار از سرمایه کشور را برنگردانده و از کشور خارج شده است. این اظهارنظر نشان می‌دهد پرونده تراستی‌ها صرفاً موضوع تأخیر یا اختلاف در حساب‌های تجاری نیست و در برخی موارد، موضوع سوءاستفاده از منابع کشور و خروج متهمان از ایران نیز مطرح شده است.

اکنون با ورود دیوان محاسبات، پرونده تراستی‌ها وارد مرحله‌ای شده که می‌تواند ابعاد پنهان این شبکه را روشن کند. مهم‌ترین سؤال این است که از میان ۱۴۱ تراستی بدهکار، میزان بدهی هرکدام چقدر است و چه مقدار از منابع به خزانه رسمی بازگشته است. سؤال دیگر به قراردادهای مرتبط می‌شود؛ قراردادهایی که دیوان محاسبات اعلام کرده در آن‌ها مواردی از عدم رعایت الزامات قانونی، تخفیف‌های غیرمتعارف و مکرر و تعارض منافع بررسی شده است. در کنار تراستی‌ها، نقش بانک‌های مرتبط نیز در دستور کار قرار گرفته است. این موضوع اهمیت زیادی دارد، زیرا شبکه انتقال منابع ارزی بدون ارتباط با نظام بانکی قابل تصور نیست و باید روشن شود بانک‌ها در فرآیند دریافت، انتقال و تسویه منابع چه نقشی داشته‌اند.

اصلی تنها این نیست که آیا تراستی‌ها به تعهدات خود عمل کرده‌اند یا خیر.

در شرایط تحریم، استفاده از واسطه‌ها می‌تواند یک ضرورت باشد؛ اما ضرورت استفاده از یک ابزار در شرایط خاص، به معنای مصونیت آن ابزار از نظارت نیست. زمانی که یک واسطه وظیفه انتقال منابع حاصل از فروش نفت را برعهده می‌گیرد، باید مشخص باشد منابع با چه هزینه‌ای منتقل می‌شوند، چه تضمین‌هایی برای بازگشت پول وجود دارد و در صورت تأخیر یا عدم بازگشت منابع، چه کسی پاسخگوست. اکنون خود دیوان محاسبات از «کارمزد‌های سنگین»، «رسوب چندماهه منابع»، «تخفیف‌های غیرمتعارف و مکرر»، «تعارض منافع» و «عدم وصول به موقع درآمد‌ها» سخن گفته است. همین موارد نشان می‌دهد مسئله تراستی‌ها صرفاً به چند پرونده بدهی محدود نیست و ابعاد آن به نحوه حکمرانی منابع ارزی کشور بازمی‌گردد.

۱۲ تا ۸ میلیارد دلار ارز تراستی هنوز برنگشته است

حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصاد دیوان محاسبات، در اظهاراتی انتقادی درباره وضعیت منابع ارزی کشور اعلام کرد که ۸ تا ۱۲ میلیارد دلار ارز تراستی هنوز به چرخه رسمی بازنگشته است. محمد رضا سبزعلی پور، کارشناس اقتصادی، نیز ضمن تأکید بر برخورد قاطع با سوءاستفاده‌کنندگان و تراستی‌های متخلف، می‌گوید: مشکل را نباید صرفاً در افراد جست‌وجو کرد. مشکل اصلی، عدم نظارت و ساختار غلط است؛ ساختاری که ممکن است افراد غیرقابل اعتماد را بزرگ کند و در نهایت خود در دستان متخلفان گرفتار شود. او تأکید کرد: مسئله اصلی وجود واسطه‌ها نیست، بلکه ساختاری است که به دلیل ضعف در طراحی نهادی، نظارت ناکافی یا نبود سازوکارهای پاسخگویی، زمینه وابستگی به افراد غیرقابل اعتماد را فراهم می‌کند. از نگاه او، در شرایط تحریم و محدودیت‌های بین‌المللی، استفاده از ظرفیت افراد، شرکت‌ها و مجموعه‌های تخصصی می‌تواند یک ضرورت مدیریتی باشد. هیچ نظام اقتصادی نمی‌تواند در محیط پیچیده جهانی، بدون استفاده از تجربه فعالان اقتصادی، موفق عمل کند؛ اما یک نظام کارآمد نباید اجازه دهد یک فرد یا مجموعه به تنه مسیر انجام یک مأموریت مهم تبدیل شود. نقطه حساس دقیقاً همین جاست؛ زمانی که یک واسطه به دلیل



نیماسپیلی
روزنامه‌نگار

آنچه امروز سازوکار تراستی‌ها را به یکی از پرونده‌های مهم اقتصادی تبدیل کرده، نه اصل استفاده از واسطه‌ها، بلکه ابهام درباره میزان اختیار، نحوه نظارت، زمان بازگشت منابع و مسئولیت دستگاه‌های دولتی در قبال عملکرد این شبکه است. اکنون با ورود دیوان محاسبات کشور، پرونده تراستی‌ها وارد مرحله تازه‌ای شده است. دیوان محاسبات اعلام کرد که فرآیند وصول و انتقال وجوه حاصل از فروش نفت و میعانات گازی از طریق شبکه تراستی را بررسی کرده و پرونده ۱۴۱ تراستی بدهکار و بانک‌های مرتبط نیز در دستور کار این نهاد نظارتی قرار گرفته است. این موضوع در حالی مطرح می‌شود که پیش از این نیز سازمان بازرسی کل کشور و دستگاه قضایی درباره تخلفات ارزی و عملکرد برخی تراستی‌ها ورود کرده بودند. دیوان محاسبات کشور تأکید کرد: با وجود ظرفیت استفاده از سازوکارهای بانکی شفاف و کم‌هزینه، انکای فاقد توجیه بخش قابل توجهی از فرآیند وصول و انتقال وجوه حاصل از فروش نفت و میعانات گازی به شبکه تراستی، موجب ایجاد ریسک مستمر انسداد وجوه، تحمیل کارمزد‌های سنگین، رسوب چندماهه منابع و انتفاع واسطه‌ها، کاهش شفافیت و در نهایت تضییع حقوق بیت‌المال شده است.

پرونده بررسی ابعاد مرتبط با تعارض منافع، تخفیف‌های غیرمتعارف و مکرر، عدم وصول به موقع درآمد‌ها، عدم رعایت موارد قانونی لازم در قراردادهای منعقد به تراستی‌ها و موارد قصور، غفلت و تسامح مسئولان ذی‌ربط تکمیل شده و عملکرد وزارت نفت، شرکت‌های تابعه و بانک مرکزی، صرف‌نظر از سازوکار مورد استفاده، به دادسرای دیوان ارسال خواهد شد. طبق گزارش این نهاد نظارتی، پرونده ۱۴۱ تراستی بدهکار و بانک‌های مرتبط نیز در دستور کار قرار گرفته و نسبت به استیفای حقوق بیت‌المال و اعمال قانون درخصوص متخلفان اقدام خواهد کرد. این اطلاعات به جهت اهمیت دارد که دیوان محاسبات، برخلاف نگاه محدود به عملکرد چند واسطه، دامنه بررسی را به عملکرد وزارت نفت، شرکت‌های تابعه و بانک مرکزی نیز کشانده است. به بیان دیگر، پرسش

تالار شیشه‌ای

سبزپوشی بورس پس از افت ۳۹ هزار واحدی

بازار سهام، دومین روز هفته (دیروز، ۲۵ مرداد ۱۴۰۵) را منفی آغاز کرد و شاخص کل بورس، به عنوان نماگر اصلی بازار، نیز تا ۳۹ هزار و ۵۹۱ واحد افت کرد؛ اما در ادامه، با ورود تقاضا و کاهش فشار فروشنده‌ها، بازار سبزپوش شد و در نهایت، شاخص کل با ۰.۵۲ درصد افزایش یافت. ارزش معاملات خرد سهام به ۴۰ هزار و ۴۴۹ میلیارد تومان رسید. همچنین حقیقی‌ها، برخلاف روز شنبه، دیروز ۳۲۲۳ میلیارد تومان وارد چرخه سهام و صندوق‌های سهامی کردند. بیشترین ورود پول حقیقی به آهن و فولاد، کانی‌های فلزی و مواد شیمیایی اختصاص پیدا کرد. مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس به محدوده ۲۴۹ هزار میلیارد تومان رسید. ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس، نیز در محدوده ۱۹ هزار و ۴۶۲ هزار میلیارد تومان قرار گرفت.

در جریان مبادلات روز گذشته، شاخص ۳۷ صنعت میانگین رشد شاخص سهام صعودی شد و میانگین رشد شاخص صنایع به ۱.۴۶ درصد رسید. ۱۷ صنعت رشدی بیش از ۲ درصد را ثبت کردند و خرده‌فروشی، استخراج نفت و انتشار و چاپ، بیشترین افزایش روزانه را به خود اختصاص دادند. در مقابل، شاخص ۵ صنعت کاهش یافت. همچنین ۱۵ صنعت توانستند بار دیگر سقف تاریخی خود را جابه‌جا کنند. معاملات بازار با برتری نسبی تقاضا و رشد هم‌زمان شاخص‌های اصلی به پایان رسید. هرچند سرعت افزایش شاخص کل نسبت به برخی روزهای صعودی اخیر کمتر بود، اما عملکرد بهتر شاخص هم‌وزن و رشد قابل توجه شاخص بازار دوم نشان داد که جریان تقاضا بیش از گذشته به سمت سهام کوچک و متوسط حرکت کرده است.

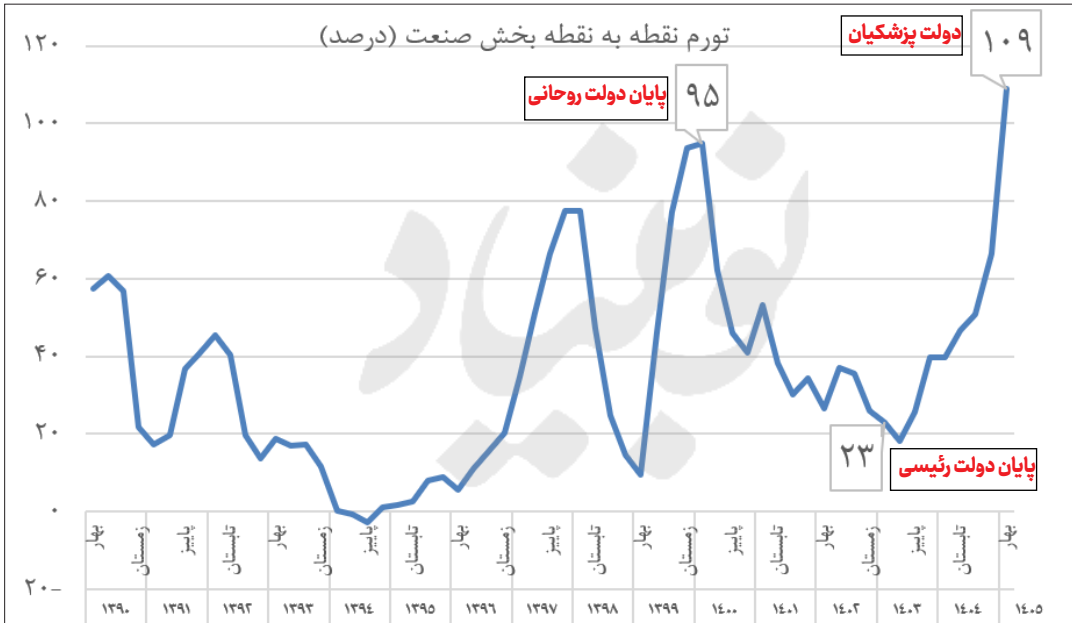
شاخص کل بورس تهران با افزایش ۲۹ هزار و ۶۰۸ واحدی (۰.۵۲ درصد) به ۵ میلیون و ۷۶۶ هزار و ۲۵۶ واحد رسید. البته شاخص تا ۵ میلیون و ۶۹۷ هزار و ۵۶ واحد عقب نشست، اما در ادامه رشد تقاضا توانست بازار را به محدوده مثبت بازگرداند. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۲۱ هزار و ۶۱۹ واحدی (۱.۳۵ درصد) در ارتفاع یک میلیون و ۶۲۸ هزار و ۵۹ واحد ایستاد. شاخص کل فرابورس با افزایش ۶۵۹ واحدی (۱.۴۳ درصد) به محدوده ۴۶ هزار و ۷۱۶ واحد رسید. کارشناسان بازار سهام معتقدند مهم‌ترین نکته معاملات دیروز، نه رشد ۲۹ هزار واحدی شاخص کل بورس، بلکه عملکرد قدرتمند تر شاخص هم‌وزن است. زمانی که شاخص هم‌وزن بیش از دو برابر شاخص کل رشد می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که تقاضا به طیف گسترده‌تری از سهام رسیده و حرکت بازار وابستگی کمتری به چند نماد شاخص‌ساز دارد.

تبعات شوک ارزی دی ماه ۱۴۰۴ همچنان در حال نمایان شدن است؛

دولت پزشکیان رکورد تاریخی تورم صنعت را شکست

(تداوم گرانی‌ها) محسوب می‌شود. دولت که روزگاری تورم ۳۰ درصدی دولت قبل را به باد انتقاد می‌گرفت، اکنون با ثبت رکوردهای سه‌رقمی، درمیانه کابوس تولید، تنها به تماشای بنیان‌های صنعتی کشور نشسته است.

ثبت تورم نقطه به نقطه ۱۰۹ درصدی بخش صنعت در بهار ۱۴۰۵، مهر تأییدی بر اثرگذاری منفی سیاست ارزی دولت چهاردهم است. این جهش تاریخی که هزینه‌های تولید را به مرز انفجار رسانده، هشدار جدی برای بازار مصرف



یادداشت

آرزوی آمریکا برای بازگشت به پیش از جنگ

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

جنگی که ترامپ با خیال تغییر حاکمیت و سیاست ایران آغاز کرد، حالا به نقطه‌ای رسیده که حتی نزدیک‌ترین معاونانش از جمله ونس از «کاهش قیمت نفت» به عنوان یکی از اهداف اصلی سخن می‌گویند. هدفی که نه تنها در فهرست بلندبالای خواسته‌های اولیه واشنگتن جایی نداشت، بلکه اساساً به معنای بازگشت به همان شرایطی است که پیش از آغاز جنگ وجود داشت. این چرخش اعتراضی آشکار به ناکامی راهبردی واشنگتن در برابر ایران است. ترامپ در ابتدای جنگ، رویای بزرگی در سر داشت. رویایی که از تغییر حاکمیت در ایران آغاز می‌شد و به خلع سلاح موشکی، برچیدن ظرفیت هسته‌ای و تحمیل شروط منطقه‌ای آمریکا ختم می‌شد. اما آنچه در میدان رخ داد، با آنچه در اتاق‌های جنگ واشنگتن طراحی شده بود، زمین تا آسمان تفاوت داشت. مردم ایران پای کار آمدند و جمهوری اسلامی نه تنها از هم نپاشید، بلکه با پاسخ‌های موشکی و آفندی خود، پایگاه‌ها و منافع آمریکا در منطقه را هدف قرار داد.

هرچه جنگ طولانی‌تر شد، فاصله میان «اهداف اعلامی» و «توان واقعی» آمریکا بیشتر نمایان شد. حالا پس از نزدیک به ۶ ماه جنگ و درگیری، همان دولتی که روز نخست از تغییر حاکمیت و تسلیم بی قید و شرط ایران سخن می‌گفت، ظاهراً به این جمع‌بندی رسیده که ادامه جنگ چیزی جز هزینه، خسارت و فرسایش برایش ندارد.

گزارش اخیر سی‌ان‌ان دقیقاً همین عقب‌نشینی تدریجی را برجسته می‌کند. این گزارش تصریح می‌کند اهدافی که دولت ترامپ برای جنگ مطرح کرده بود، شامل تسلیم کامل ایران، تغییر نظام، جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و پایان حمایت از گروه‌های مقاومت بود اما با طولانی شدن جنگ، این فهرست به شکل محسوسی کوچک‌تر شده است.

حالا جی‌دی ونس، معاون ترامپ، در اظهاراتی قابل تأمل، دو هدف را مطرح کرده که اولی حفظ جریان نفت و گاز و پایین آوردن قیمت نفت است. این در حالی است که همین دولت در مقاطع مختلف از ناپودی توان موشکی، برچیدن غنی‌سازی و حتی تغییر حاکمیت ایران سخن می‌گفت.

طنز ماجرا آنجاست که پیش از جنگ، تنگه هرمز باز بود و بازار انرژی در وضعیت عادی قرار داشت. بنابراین اگر امروز بازگشت به جریان عادی انرژی و کاهش قیمت نفت به هدف شماره یک آمریکا تبدیل شده، معنای ساده آن این است که واشنگتن می‌خواهد پس از این همه هزینه و هیاو، صرفاً به نقطه صفر بازگردد! سی‌ان‌ان نیز تصریح می‌کند که اگر بازگشت به وضعیت پیش از جنگ اکنون «هدف شماره یک» باشد، این مسئله نشان می‌دهد جنگ تا چه اندازه کمتر از اهداف اولیه ترامپ دستاورد داشته است.

این همان شکست راهبردی است. شکست قدرتی که با شعار تسلیم ایران وارد میدان شد، اما حالا برای پایان دادن به جنگ، به دنبال آن است که حداقل همان شرایطی را به دست آورد که پیش از آغاز جنگ در اختیار داشت.



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

در روزهای که مهم‌ترین موضوع سیاسی، امنیتی و بین‌الملل کشور، تعیین تکلیف مذاکرات با عمان بر سر تنگه هرمز و از سوی جدال دیپلماتیک با آمریکا بر سر اجرای تفاهم اسلام‌آباد بود به یکباره هیئت دولت در تصمیمی عجیب لایحه تصویب کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر را به مجلس فرستاد تا شاید در دوران غیرحضوری بودن جلسات مجلس بتواند پس از هشت سال تصویب این لایحه و لازم‌الاجرا شدن آن را بدست آورد.

کنوانسیونی که از زمان امضای آن توسط دولت دوازدهم بیشتر مواد آن با ابهامات جدی از سوی کارشناسان سیاسی، حقوقی و امنیتی روبرو بود.

این بار نیز تصمیم دولت و ارجاع آن به مجلس با واکنش‌های مختلفی از سوی کارشناسان طیف‌های گوناگون سیاسی مواجه شد. به همین سبب نوبنیاد در مصاحبه‌ای با دکتر مهدی سیف تبریزی، پژوهشگر مسائل قفقاز و روسیه به جزئیات خسارت‌بار این کنوانسیون پرداخت که مشروح آن در ادامه آمده است.

ابتدائاً به این موضوع بپردازیم که برخی می‌گویند ایران در زمان پهلوی ۵۰ درصد حق استفاده از دریای خزر را داشته است، آیا اساساً حقیقت دارد؟

یکی از ابهامات پرتکرار درباره کنوانسیون دریای خزر، ادعای واگذاری سهم ۵۰ درصدی ایران و کاهش آن به ۱۱ درصد است. ادعایی که عمدتاً از سوی نیروهای ضدانقلاب و طرفداران پهلوی بازنشر می‌شود و بر مغالطه تاریخی استوار است.

پس از روی کار آمدن دولت بلشویکی شوروی، در سال ۱۹۲۱ «قرارداد مودت» میان ایران و شوروی امضا شد. ماده ۱۱ این قرارداد، محدودیت ایران برای داشتن نیروی دریایی در خزر را لغو و حق برابر و آزاد کشتیرانی دو کشور را به رسمیت شناخت.

در سال ۱۹۴۰ نیز قرارداد «بازرگانی و کشتیرانی» میان دو کشور، خزر را «دریای ایران و شوروی» تلقی و کشتیرانی را به کشتی‌های دو کشور اختصاص داد. همچنین برای هر کشور نوار ۱۰ مایلی ماهیگیری انحصاری تعیین شد و خارج از آن، بهره‌برداری شیلاتی مشترک بود. با این حال، هیچ‌یک از این معاهدات سهم ۵۰ درصدی برای ایران تعیین نکرده و درباره تقسیم بستر و زیربستر خزر نیز حکمی نداشتند؛ بنابراین نمی‌توان آنها را سند مالکیت ۵۰ درصدی ایران دانست.

در گفت‌وگوی نوبنیاد با دکتر سیف تبریزی پژوهشگر مسائل قفقاز و روسیه مطرح شد

خزر در سایه یک امضای پرابهام

در شرایطی که ایران با مهم‌ترین چالش‌های دیپلماتیک و امنیتی منطقه دست‌وپنجه نرم می‌کند، دولت با ارسال لایحه کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر به مجلس، پرونده‌ای هشت‌ساله و پرابهام را دوباره به جریان انداخته است؛ تصمیمی که به گفته دکتر مهدی سیف تبریزی، پژوهشگر مسائل قفقاز و روسیه، می‌تواند سهم ایران از بستر خزر، منافع انرژی و قدرت چانه‌زنی کشور در معادلات آینده را تحت تأثیر قرار دهد.

می‌شود که ماده ۸ با منابع نفت و گاز، میادین هیدروکربنی و ایجاد جزایر مصنوعی نیز ارتباط دارد و از منظر اقتصادی، انرژی و ژئوپلیتیکی، یکی از مهم‌ترین تغییرات نسبت به وضعیت حقوقی پیش از کنوانسیون محسوب می‌شود.

آیا این روند با تضعیف جایگاه ایران در معادلات سوآپ و انتقال انرژی، تقویت مسیرهای رقیب در قفقاز و آسیای مرکزی می‌تواند زمینه‌ساز تهدیدات جدید علیه امنیت و منافع ملی کشور شود؟

یکی از جنجال‌برانگیزترین مواد کنوانسیون آلتای، ماده ۱۴ است. بر اساس بند یک این ماده، کشورهای عضو می‌توانند کابل و خطوط لوله زیردریایی در بستر خزر احداث کنند و طبق بند سه، مسیر این خطوط با توافق کشوری تعیین می‌شود که بستر آن از قلمرو مربوط عبور می‌کند.

این سازوکار می‌تواند به ترکمنستان اجازه دهد گاز خود را از مسیر خزر به جمهوری آذربایجان منتقل کند و قزاقستان نیز نفت خود را به این کشور برساند. تصویب این ماده در مجلس، از نگاه منتقدان، قدرت مخالفت مؤثر ایران با چنین پروژه‌هایی را کاهش می‌دهد. پروژه‌هایی که می‌توانند مزیت سوآپ گازی ایران میان ترکمنستان و جمهوری آذربایجان را تضعیف یا از بین ببرند و انتقال انرژی آسیای مرکزی به بازار اروپا را افزایش دهند.

تقویت این مسیرهای انرژی می‌تواند معادلات ژئوپلیتیکی منطقه را به ضرر ایران تغییر دهد، توجیه اقتصادی کریدور زنگزور (مسیر ترامپ) را تقویت و همگرایی ترکیه، جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی را در قالب جهان ترک افزایش دهد. روندی که از منظر متن، تهدیدی برای امنیت ملی ایران در قفقاز جنوبی تلقی می‌شود. همچنین انتقال انرژی آسیای مرکزی به قفقاز می‌تواند ظرفیت جمهوری آذربایجان برای تأمین انرژی رژیم صهیونیستی را افزایش دهد. در شرایط فعلی، ایران با استناد به نبود رژیم حقوقی مورد توافق هر پنج کشور ساحلی می‌تواند با چنین پروژه‌هایی مخالفت کند اما تصویب ماده ۱۴ و پذیرش منطق حقوقی آن، این اهرم بازدارنده را به شدت محدود خواهد کرد.

از منظر امنیتی نیز ایجاد جزایر مصنوعی توسط کشورها در محدوده بستر آب‌های خود یکی از بزرگترین تهدیدهای امنیتی ایران پس از تصویب این کنوانسیون در مجلس ایران خواهد بود. بر طبق ماده ۸ کشورها می‌توانند در محدوده بستر خود اقدام به ایجاد جزایر مصنوعی و یا سازه‌های اکتشافی و یا تأسیسات نفتی کنند که این موضوع با توجه به موقعیت سواحل ایران و تقسیماتی که در زیر بستر اتفاق افتاده می‌تواند از سوی کشورهای همانند جمهوری آذربایجان مورد سوءاستفاده قرار گیرد.

در صورت تصویب و لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون، بخش مهمی از این اهرم‌ها در برابر کشورهای ساحلی از میان خواهد رفت و در نتیجه، قدرت چانه‌زنی ایران در مذاکرات آینده درباره رژیم حقوقی خزر، تحدید حدود مرزی و تعیین منافع در بستر و زیربستر، به شکل محسوسی کاهش خواهد یافت.

از سوی دیگر، در دوران شوروی ایران عملاً امکان حضور تجاری و نظامی فراتر از خط حسنقلی-آستارا را نداشت. پس از انقلاب، جمهوری اسلامی ایران با تغییر این رویکرد، بر حق استفاده مشاع از پهنه آبی خزر تأکید کرد و این موضع را در مجامع بین‌المللی پیگیری کرد.

آیا کنوانسیون خزر، سهم ایران را قربانی می‌کند؟

نکته نخست درباره کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر یا کنوانسیون آلتای این است که در هیچ‌یک از مواد آن، درباره تحدید مرزی، تعیین خط مبدأ یا سهم کشورها از بستر و زیربستر خزر تعیین تکلیف صریحی نشده و این موارد به توافقات آتی کشورهای ساحلی واگذار شده است.

بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳، روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان در قالب قراردادهای دوجانبه و سه‌جانبه، بستر و زیربستر بخش‌هایی از خزر را میان خود تقسیم کردند؛ به گونه‌ای که قزاقستان ۲۹ درصد، روسیه ۲۲ درصد و جمهوری آذربایجان ۱۷ درصد را در اختیار گرفتند. ایران این توافقات را تأیید نکرد و همچنان بر سهم ۲۰ درصدی خود از پهنه آبی، بستر و زیربستر خزر تأکید داشت.

با این حال، بند دوم کنوانسیون آلتای تعیین حدود مرزی، خط مبدأ و سهم کشورها از بستر و زیربستر را به توافقات دوجانبه یا چندجانبه واگذار می‌کند. بنابراین، تصویب کنوانسیون در مجلس می‌تواند به معنای پذیرش مبنای حقوقی توافقات پیشین سه کشور روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان تلقی شود؛ هر چند لزوماً به معنای تنفیذ مستقیم آنها از سوی ایران نیست. در نتیجه، حدود ۶۸ درصد بستر خزر میان این سه کشور تقسیم شده و ایران برای تعیین سهم خود در بخش باقی‌مانده، ناگزیر به توافق با ترکمنستان خواهد بود که با توجه به شکل سواحل ایران، می‌تواند سهمی حدود ۱۱ تا ۱۳ درصد را رقم بزند.

در مورد پهنه آبی، کنوانسیون ابهام کمتری دارد. بر اساس بند ۵، ۱۵ مایل دریایی آب سرزمینی و پس از آن ۱۰ مایل منطقه انحصاری ماهیگیری هر کشور است. مابقی پهنه آبی نیز به صورت مشاع برای استفاده تجاری و نظامی همه کشورها قابل بهره‌برداری است و محدودیتی برای کشتیرانی تجاری ایران ایجاد نمی‌کند.

اما مهم‌ترین ابهام در ماده ۸ است. ماده‌ای که تعیین بستر و زیربستر را از طریق توافق کشورهای دارای سواحل مجاور یا مقابل امکان‌پذیر می‌داند. این ماده، بدون تعیین مستقیم سهم ایران، مبنای حقوقی تقسیم بستر را تثبیت می‌کند و می‌تواند امکان اعتراض ایران به تقسیمات پیشین را در آینده محدود کند. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر

یادداشت

ظریف و روحانی؛ نسخه غرب برای مهار ایران؟

امیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

جواد ظریف هنوز هم پس از چهار دهه حضور در دستگاه دیپلماسی و گذشت بیش از یک دهه خسارت بار از برج‌ام، نشانه‌ای جدی از بازنگری در خطاهای راهبردی خود در آن دوره را نشان نمی‌دهد. پرسش مهم‌ترین است که چرا بخش‌هایی از غرب، به‌ویژه آمریکا، همواره از حضور چهره‌هایی مانند ظریف و حسن روحانی در ساختار سیاسی ایران احساس آرامش می‌کردند؟

جان کری، وزیر خارجه دولت اوباما، در خاطرات خود با عنوان «هر روز موهبتی است»، درباره انتصاب ظریف به وزارت خارجه و مسئولیت پرونده هسته‌ای نوشته است: «وقتی حسن روحانی، نامزد میانه‌روتر، پیروز شد، ما شگفت‌زده و دلگرم شدیم، ما همچنین از انتصاب جواد ظریف توسط روحانی... احساس راحتی کردیم.» کری همچنین از نقش علی‌اکبر صالحی در ایجاد کانال ارتباطی پشت پرده سخن گفته و تأکید می‌کند که این انتصابات، امید آمریکا را افزایش داده بود. نمونه دیگر، اظهارنظر منتسب به جک استراو، وزیر خارجه اسبق انگلیس، است که به نقل از هوشنگ امینی، نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و انگلیس، در آستانه انتخابات ۱۳۹۲ گفته بود: «ریاست جمهوری حسن روحانی، ایده‌آل مادر بریتانیا است.» اگر این نقل‌قول را کنار سایر شواهد آن دوره بگذاریم، سؤال درباره علت رضایت طرف غربی از برخی چهره‌های سیاسی ایران جدی‌تری می‌شود. از سوی دیگر، محمود علیزاده طباطبایی از حامیان روحانی و عضو حزب کارگزاران در ۲۸ آبان ۱۴۰۴ مدعی شد حسن روحانی در مقطعی قصد حضور مستشاران انگلیسی در مرزهای شمالی ایران در نزدیکی شوروی سابق را داشته است؛ ادعایی که طبیعتاً نیازمند بررسی مستقل اسناد و شواهد است، اما به دلیل حساسیت موضوع، نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت.

تعریف غرب از ظریف و روحانی نیز غالباً تعریف از «هوش سیاسی» یا «چالش‌زایی برای غرب» نبوده، بلکه از جنس رضایت از روی کار آمدن نیروهای نزدیک تر به غرب بوده است؛ درست برخلاف تعریفی که اغلب روسای جمهور آمریکا از شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان یک تهدید راهبردی می‌کردند. نکته قابل توجه آنکه بسیاری از مسئولان کشور در طول جنگ ۴۰ روزه به عنوان اهداف مشروع رژیم آمریکا و اسرائیل برای ترور معرفی می‌شدند اما هیچ‌گاه نام افراد شاخص این جریان غرب‌گرا در میان نبود.

برخی کارشناسان معتقدند خطر این جریان سیاسی خطرناک‌تر از تجربه شاه مخلوع و رژیم پهلوی، زمانی جدی‌تری می‌شود که هم‌زمان وابستگی را عادی‌سازی و ضعف را به عنوان «عقلانیت» معرفی می‌کند. ملت ایران برای پایان دادن به همین وابستگی و ضعف انقلاب کرد. به همین دلیل امروز مسئله جلوگیری از بازتولید همان الگویی است که ایران را هم وابسته و هم ضعیف می‌خواست؛ الگویی که بی‌اختیار، انسان را به یاد دولتمردان قاجاری می‌اندازد که بیش از منافع ایران، دل در گرو رضایت خارجی داشتند.

باخت اروپا در شطرنج سیاست خارجی جهان

اروپا امروز نه قدرت اقتصادی چین را دارد و نه توان نظامی آمریکا را؛ در بسیاری از پرونده‌ها نیز سیاست مستقل و اثرگذاری از خود نشان نمی‌دهد. با این حال، بخشی مهمی از دستگاه نه‌چندان به روز سیاست خارجی ایران همچنان با تصور اروپای قدرتمند گذشته تصمیم می‌گیرد و از برخورد متقابل با اقدامات خصمانه این کشورها پرهیز می‌کند؛ گویی هنوز ژنو و برلین و لندن می‌توانند برای تهران گریه بگشایند، تجربه برج‌ام خلاف آن را ثابت کرده است.

کرده است. جنگ روسیه و اوکراین ضعف ساختار امنیتی اروپا را نمایان کرد و جنگ تحمیلی سوم که از ۹ اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد، محدودیت‌های قدرت آمریکا را نیز در اعمال زور و تحمیل اراده خود آشکارتر کرد.

برجام، مکانیسم ماشه و حافظه‌ای که پاک شده است

رفتار اروپا در ماجرای برجام باید برای سیاست خارجی ایران یک درس روشن می‌بود. اروپا نه توانست آمریکا را پس از خروج از برجام وادار به پرداخت هزینه کند، نه در برابر فشارهای واشنگتن ایستاد و نه نهایتاً از فعال‌سازی مکانیسم ماشه در مسیر تقابل با ایران پرهیز کرد. با این حال، بخشی از دستگاه دیپلماسی همچنان در جست‌وجوی «روژه اروپا» و امید به ژنو، برلین و لندن است.

مقامات فعلی وزارت خارجه، از سیدعباس عراقچی تا مجید تخت‌روانچی و اسماعیل بقایی و... که سابقه مستقیم یا نزدیک در پرونده برجام داشته‌اند، بیش از هر کس دیگری باید بدانند که اروپا در بزنگاه‌های تعیین‌کننده چگونه رفتار کرده است. آیا تجربه خروج بی‌هزینه آمریکا از برجام، بی‌عملی اروپا و سپس فشارهای اروپایی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه کافی نبود؟ نمونه دیگری نیز وجود دارد. در سال‌های گذشته، کشورهای اروپای غربی، به‌ویژه آلمان، اقدام به تعطیلی یا محدودسازی مراکز و کنسولگری‌های ایران کردند؛ اقداماتی که در پی اجرای حکم قضایی درباره جمشید شارمهد و در اعتراض به حق قانونی ایران برای مجازات یک محکوم امنیتی و تروریستی صورت گرفت. آن زمان نیز پاسخ متقابل و متناسبی از سوی وزارت خارجه مشاهده نشد.

پیام چنین رویکردی برای طرف مقابل روشن است: می‌توان علیه ایران اقدام کرد، اما ایران الزاماً هزینه متناسبی تحمیل نخواهد کرد.

ایران باید از نگاه نوستالژیک به اروپا عبور کند. اروپا اگر می‌خواهد رابطه‌ای متعارف با تهران داشته باشد، باید هزینه انتخاب مسیر تقابل، تحریم، نفوذ و مداخله را نیز بپذیرد. در غیراین صورت، ادامه سیاست «تحمل برای حفظ رابطه» نه دیپلماسی، بلکه فرسایش تدریجی اقتدار دیپلماتیک کشور است.

مراکز دیپلماتیک ایران در اروپا سال‌هاست با محدودیت‌های جدی برای فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی متعارف مواجه‌اند. بنابراین، اگر قرار باشد هر اقدام متقابل احتمالی اروپا، ایران را از اعمال حقوق حاکمیتی و دیپلماتیک خود منصرف کند، عملاً طرف مقابل به این نتیجه می‌رسد که هزینه رفتار خصمانه‌اش بسیار پایین است. بدتر آنکه چنین رویکردی می‌تواند این شائبه را ایجاد کند که ملاحظات و رانت برخی مأموریت‌های اروپایی و استمرار ارتباطات خاص در ساختار سیاست خارجی، بر اعمال قاطعانه حقوق جمهوری اسلامی ایران سایه انداخته است.

اروپا را همان گونه که هست ببینیم

این ماجرا یک ایراد بنیادی‌تر را نیز آشکار می‌کند: مشکل سیاست خارجی ایران فقط در نوع واکنش به یک دیپلمات متخلف خلاصه نمی‌شود؛ مسئله، نوع نگاه به نظام بین‌الملل است. وزارت خارجه به اذعان بسیاری از دانشگاهیان و متخصصین در سایه دهه‌ها دوری از نگاه علمی و دانشگاهی به مقوله دیپلماسی و سیاست خارجی و نیروی انسانی عمده‌تا قدیمی با مشکلات جدی در فهم نظام بین‌الملل به عنوان اولین رکن یک دستگاه سیاست خارجی روبروست.

در بخشی از دستگاه سیاست خارجی، همچنان تصویری از اروپا وجود دارد که متعلق به چند دهه قبل است؛ گویی اروپا یک قطب مستقل و تعیین‌کننده در نظام بین‌الملل است که می‌تواند در بزنگاه‌های بزرگ، میان ایران و آمریکا نقش یک میانجی قدرتمند را ایفا کند یا در برابر واشنگتن مسیر مستقلی بگشاید.

اما واقعیت‌های امروز چیز دیگری می‌گویند. اروپا نه از نظر اقتصادی در جایگاهی مثل چین قرار دارد و نه از نظر نظامی قابل قیاس با آمریکایی است که خود نیز در جنگ با ایران درمانده است. در بسیاری از پرونده‌های مهم، اروپا در عمل دنباله‌رو سیاست‌های واشنگتن بوده و حتی در مواردی که اختلافاتی با آمریکا داشته، توان تبدیل این اختلاف به یک سیاست مستقل و اثرگذار را نشان نداده است.

تحولات سال‌های اخیر نیز نشانه‌های جدی از پوست‌اندازی نظم قدیم را آشکار

نگاهی به فعالیت‌های جاسوسی و خصمانه فرانسه

شبکه نفوذ زیر پرچم فرانسه

اطلاعیه اخیر وزارت اطلاعات درباره شناسایی دو دیپلمات فرانسوی در محل قرار مخفی عناصر مرتبط با یک پرونده نفوذ خارجی، بار دیگر پرده از واقعیتی برداشت که سال‌هاست در مناسبات ایران و اروپا تکرار می‌شود: استفاده از ظرفیت سفارتخانه‌ها برای فعالیت‌های



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

وزارت اطلاعات در اطلاعیه‌ای درباره یکی از پرونده‌های مهم نفوذ و مداخله خارجی، جزئیاتی قابل تأمل از رفتار دو دیپلمات فرانسوی را منتشر کرده است. براساس این اطلاعیه، مأموران امنیتی هنگام اجرای دستور قضایی برای بازداشت دو متهم، از حضور غیرقانونی دو دیپلمات فرانسوی در محل یک قرار مخفی مطلع شدند؛ افرادی که بنا بر اعلام وزارت اطلاعات، سابقه تخلف و رفتار مغایر با قوانین داخلی و تعهدات دیپلماتیک داشته‌اند.

نکته مهم‌تر اما آنجاست که بررسی اولیه اسناد به دست آمده از محل، از طراحی پروژه‌ای با محوریت نفوذ، ارتباط‌گیری پنهان، شبکه‌سازی و مداخله در امور داخلی ایران حکایت داشته و حتی امضای سفیر سابق فرانسه نیز در برخی قراردادهای کشف شده مشاهده شده است. وزارت اطلاعات تأکید کرده تحقیقات همچنان ادامه دارد و جزئیات بیشتری متعاقباً اعلام خواهد شد.

فرانسوی‌ها نیز به جای پاسخگویی درباره اصل ماجرا، مسیر آشنای «هیاووی رسانه‌ای و فرار به جلو» را در پیش گرفته‌اند؛ روشی که در پرونده‌های مشابه نیز بارها دیده شده است. اما اصل ماجرا روشن است: اگر یک دیپلمات از چارچوب مأموریت دیپلماتیک خارج شود و وارد عرصه جاسوسی، شبکه‌سازی و مداخله امنیتی شود، دیگر نمی‌توان صرفاً با عنوان «دیپلمات» از کنار رفتار او گذشت.

چرا «عنصر نامطلوب» اعلام نمی‌شوند؟

اصل استفاده از دیپلمات‌ها برای فعالیت‌های غیرمتعارف، در صورت اثبات، پاسخ دیپلماتیک متناسب می‌طلبد. یکی از طبیعی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین ابزارهای هر دولت، اعلام فرد متخلف به عنوان «عنصر نامطلوب» و اخراج اوست. اما چرا این ابزار با مواردی که تخلف دیپلماتیک مطرح شده، در قاطعیت به کار گرفته نمی‌شود؟ ممکن است یکی از پاسخ‌ها نگرانی از اقدام متقابل کشورهای اروپایی باشد. اما این استدلال زمانی اعتبار خود را از دست می‌دهد که بدانیم بسیاری از سفارتخانه‌ها و

در دو سالی که از عمر دولت پزشکیان می‌گذرد، تقریباً هیچ روزی نیست که مسائلی مربوط به ناهنجاری فرهنگی وجود نداشته باشد؛ از حواشی پوشش و بی‌حجابی‌های اسفبار در خیابان‌ها گرفته تا عادی‌شدن رفتارهایی که تا همین چند سال پیش حتی در فضای خصوصی افراد هم با احتیاط انجام می‌شد، تا چه برسد به انظار عمومی!

حالا خبرها و تصاویری از حضور روزانه گروهی از دختران با پوشش‌های نامتعارف و نمادهای منتسب به شیطان‌پرستی در خیابان‌های تهران منتشر شده است. اگرچه درباره جزئیات این گزارش‌ها باید از نهاد‌های مسئول توضیح خواست، اما اصل یک سؤال همچنان پابرجاست: مسئولیت مدیریت فرهنگی این جامعه دقیقاً با چه کسی است؟

دولت پزشکیان از روز اول بارها بر کار فرهنگی و پرهیز از برخورد‌های سلبی تأکید کرده است. بسیار خوب؛ اما کار فرهنگی کجاست؟ وقتی دستگاه‌های فرهنگی کشور در میدان نیستند، وقتی خیابان‌ها به حال خود رها شده و وقتی سبک زندگی و ذائقه نسل جدید هرروز بیشتر تحت تأثیر جریان‌هایی خارج از سیاست فرهنگی رسمی کشور قرار می‌گیرد، دقیقاً چه چیزی جایگزین برخورد شده است؟

نمی‌شود که هر وقت درباره حجاب و فرهنگ حرف زده شد، مسئولان بگویند: مسئله فرهنگی است، و بعد خودشان از فرهنگ غایب باشند. فرهنگی که فقط در جلسه و سخنرانی مدیریت نمی‌شود. فرهنگ میدان می‌خواهد، برنامه می‌خواهد، مدیر می‌خواهد و مهم‌تر از همه، اراده می‌خواهد.

اگر رفتاری خلاف قانون است، دستگاه مسئول باید وظیفه قانونی خود را انجام دهد و اگر مسئله فرهنگی است، دولت باید کار فرهنگی واقعی خود را نشان دهد. این وضعیت بلا تکلیف که نه برنامه جدی فرهنگی در آن دیده می‌شود و نه مدیریت مؤثر اجتماعی، نتیجه‌ای جز گستاخ‌تر شدن هنجارشکنی ندارد.

مسئله ما فقط چند نفر در خیابان نیست. مسئله این است که دولت عملاً میدان فرهنگ را به حال خود رها کرده است.

«پسران فریدون»، «آرش» و «سیاوش» دستپخت تازه ارگان‌ها برای تئاتر ملی

نمایش ایران دوستی

سینما، «پسران فریدون» به کارگردانی علیرضا معتمدی و «سیاوش» به کارگردانی حسین پارسایی، سه نمایشی هستند که در این موج تولید شده‌اند. نمایش پسران فریدون محصول سازمان هنری اوج و نمایش آرش سفارش یکی از قرارگاه‌های فرهنگی است. این هم‌زمانی تصادفی نیست و نشان از یک سیاست‌گذاری هماهنگ برای بازخوانی اسطوره‌های ملی از منظر حاکمیت دارد.



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

نمایش «آرش» به کارگردانی علی سربابی یکی از سه اجرایی است که در ماه‌های اخیر با حمایت نهاد‌های حاکمیتی روی صحنه می‌رود. این نمایش که سفارش یکی از قرارگاه‌های فرهنگی است، قرار است در هتل اسپیناس پالاس اجرا شود؛ انتخابی که نشان از مخاطب خاص و بودجه بالای تولید دارد. بازیگران چهره‌ای نظیر طناز طباطبایی، کیوان ساکت‌اف، شیدا خلیق و نوید محمدزاده در این نمایش حضور دارند. سربابی در این اجرا تلاش کرده با بهره‌گیری از عناصر بصری و موسیقی حماسی، روایتی عاطفی و ملی از فداکاری آرش کمانگیر ارائه دهد.

حضور ستاره‌های سینما در کنار حمایت یک قرارگاه فرهنگی نشان می‌دهد که این پروژه فراتر از یک نمایش معمولی، یک رویداد رسانه‌ای و فرهنگی بزرگ طراحی شده است. نمایش دوم، «پسران فریدون» به کارگردانی علیرضا معتمدی، محصول سازمان هنری اوج است. اوج که به عنوان بازوی هنری و رسانه‌ای سپاه شناخته می‌شود، در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری قابل توجهی در حوزه سینما، تئاتر و سریال داشته است. معتمدی که پیش‌تر به عنوان کارگردان سینما شناخته می‌شود، پیش‌تر فیلم‌های «چرا گریه نمی‌کنی»، «رضا» و «دختر پری خانم» را کارگردانی کرده است.

اودر پسران فریدون به سراغ روایت فریدون و سه پسرش ایرج، سلم و تور رفته است؛ داستانی که در شاهنامه فردوسی جایگاه محوری دارد. حضور معتمدی با سابقه سینمایی‌اش در تئاتر نشان می‌دهد که اوج به دنبال جذب کارگردانان شناخته‌شده برای تولید آثار نمایشی با مخاطب گسترده‌تر است. نمایش سوم، «سیاوش» به کارگردانی حسین پارسایی است. این نمایش

یادداشت

روایت آزادگان

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

در سالگرد ورود آزادگان به ایران، چهار کتاب شاخص در این زمینه را می‌توان چنین معرفی کرد:

«پایی که جا ماند» نوشته سیدناصر حسینی پور، من زنده‌ام نوشته معصومه آباد، آن بیست‌وسه نفر نوشته احمد یوسف‌زاده و اردوگاه اطفال از احمد یوسف‌زاده. هر چهار کتاب بر پایه تجربه واقعی اسارت در دفاع مقدس اول نوشته شده‌اند و از مهم‌ترین متون خاطرات دفاع مقدس‌اند.

پایی که جا ماند منتشر شده در سوره مهر، یادداشت‌های روزانه سیدناصر حسینی پور از زندان‌های مخفی عراق است. این کتاب با تکیه بر جزئیات زیسته، از شکنجه، مقاومت و حفظ هویت در اسارت می‌گوید و به همین دلیل یکی از مستندترین روایت‌های آزادگان به شمار می‌آید.

«من زنده‌ام» خاطرات معصومه آباد از اسارت چهار ساله او در عراق است. او در ۲۳ مهر ۱۳۵۹ اسیر شد و روایتش تنها یک شرح رنج نیست؛ تصویری از ایستادگی یک زن جوان ایرانی در برابر خشونت جنگ تحمیلی و اسارت است. این کتاب به سبب دقت روایی و زبان صمیمی، مخاطبان گسترده‌ای پیدا کرده است.

«آن بیست‌وسه» نفر نوشته احمد یوسف‌زاده، خاطرات ۲۳ نوجوان اسیر ایرانی است که در عملیات بیت‌المقدس به اسارت رفتند. کتاب، هم‌سندی تاریخی از اسارت نوجوانان ایرانی است و هم روایتی انسانی از بلوغ زودرس، ترس، رفاقت و مقاومت.

«اردوگاه اطفال» نیز از احمد یوسف‌زاده است و ادامه‌ای بر همان جهان روایی محسوب می‌شود. این کتاب تجربه اسرای نوجوان و جوان در اردوگاه‌های رمادی ۱ و ۲ عراق را بازسازی می‌کند.

این چهار کتاب سندی روایت و تاریخی از مظلومیت آزادگان ایرانی است. مظلومیتی در هم‌آمیخته با صلابت رزمندگانی که به مبارزه و مقاومت در سلول‌ها و اردوگاه‌های رژیم بعث عراق، معنایی تازه دادند.



یوسفعلی میرشکاک، نویسنده و شاعر آئینی در تازه‌ترین گفت‌وگوی رسانه‌ای خود به ابعاد کمتر شنیده‌شده‌ای از شخصیت رهبر انقلاب در حوزه شعر و موسیقی اشاره کرد. وی با بررسی اشعار رهبری تأکید کرد که برخلاف بسیاری از علما، در سروده‌های ایشان هیچ‌گونه تلاش

برای فخر فروشی علمی یا ادبی دیده نمی‌شود. به گفته میرشکاک، رهبر انقلاب هنگام سرودن شعر، سایر ابعاد وجودی و مسئولیت‌های خود را کنار گذاشته و تنها در نقش یک شاعر پخته، سخت‌کوش و حرفه‌ای ظاهر می‌شدند. میرشکاک در بخش دیگری از سخنان خود به درک عمیق رهبر انقلاب از هنر موسیقی پرداخت و خاطرنشان کرد: «حضرت آقا به خوبی می‌دانستند که جهان بدون موسیقی شکل نمی‌گیرد.» وی افزود که ایشان اگرچه سازبثیث نمی‌نواختند، اما شناخت بسیار دقیق و عمیقی از موسیقی آوازی و انواع سازها داشتند. میرشکاک در پایان، حمایت‌های بی‌دریغ رهبر انقلاب از فعالیت‌های موسیقایی را یادآور شد و به عنوان نمونه اشاره کرد که همین نگاه حمایتی باعث شد تا هنرمندان خود استان فارس، ساز پیانو و کیبورد را به جماران منتقل کنند.

حضرت آقا شاعری پخته و حرفه‌ای بودند